

شناسایی دیدگاه اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی استان خوزستان در خصوص مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی درسی

- * بهاره عابدی
- ** مسعود برادران
- *** بهمن خسروی پور
- **** منصور غنیان

چکیده

هدف پژوهش، بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص رتبه‌بندی مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی درسی رشته کشاورزی و منابع طبیعی در وضعیت موجود و مطلوب می‌باشد. مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل ۱۵۸ نفر می‌باشد که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۱۲ نفر از آنان به شیوه طبقه‌بندی تصادفی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. پایایی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه (۰/۷۹، ۰/۸۸، و ۰/۷۱) به دست آمد. نتایج نشان داد از دید اعضای هیأت علمی، برای رسیدن به وضعیت مطلوب، تشکیل گروه‌های مشترک برنامه‌ریزی درسی در جهت انطباق برنامه‌های درسی با نیازهای روز بازار کار، در اولویت می‌باشد. همچنین مشخص شد از دید پاسخگویان، مدیران ارشد آموزش عالی و اعضای هیأت علمی، نسبت به سایرین، بیشترین شایستگی را برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی دارند. اعضای هیأت علمی "تدوین برنامه درسی مبتنی بر اصول و روش‌های علمی توسط صاحب نظران و متخصصان با صلاحیت" و "تناسب محتوای برنامه درسی با پیشرفت‌ها و شرایط روز" را به عنوان دو راهکار معرفی نمودند که برای رسیدن به شرایط مطلوب باید در اولویت قرار گیرند.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی درسی، مطلوبیت، رشته کشاورزی و منابع طبیعی، دیدگاه اعضای هیأت علمی

* دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان (مسئول مکاتبات):
baharehabedi22@yahoo.com

- ** عضو هیأت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
- *** عضو هیأت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
- **** عضو هیأت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

مقدمه

با وجود تأکید نظام آموزش عالی کشاورزی بر کاربردی نمودن علوم نظری، بسیاری از دانش‌آموختگان بیکار هستند. از سوی دیگر درصد ناچیزی از دانش‌آموختگان به صورت خود اشتغالی مشغول به کار هستند و اغلب آنها در دستگاه‌های دولتی اشتغال دارند. این وضعیت نشان‌دهنده عدم تناسب آموزش‌های ارائه شده در آموزش کشاورزی با بازار کار و ضعف این نظام در تربیت دانش‌آموختگان می‌باشد (خسروی پور، ایروانی، حسینی، موحد محمدی، ۱۳۸۶). آمار نرخ بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی سال ۱۳۹۱ نیز نشان می‌دهد ۲۵ درصد از کل دانش‌آموختگان در این بخش با مشکل بیکاری مواجه هستند (سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۳۹۱). با وجود تعداد زیادی دانش‌آموخته رشته‌های کشاورزی که فاقد دانش مهارتی و عملی در زمینه‌های مختلف می‌باشند و نمی‌توانند از عهده انجام امور برآیند (زمانی، ۱۳۸۰)، ضروری است وضع موجود مؤلفه‌های نظام آموزشی از جمله برنامه درسی این دانش‌آموختگان بررسی شود تا با مطالعه عمیق‌تر برنامه‌های درسی موجود و تلاش برای تغییر برنامه‌ها در جهت شرایط مطلوب بتوان کارشناسان و متخصصانی در خور و متناسب با شرایط بازار داخلی و قابل رقابت با تولیدکنندگان خارجی تربیت نمود و در این زمینه به مطلوبیتی نسبی دست یافت.

یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی درسی، اهمیت نوسازی و تجدیدنظر در برنامه‌های درسی و هماهنگ نمودن محتوا و روش‌های تدریس با شرایط در حال تغییر و نامطمئن است (سابارا، ۱۹۹۴). در واقع عدم تناسب برنامه درسی با شرایط و نیازهای موجود سبب هدر رفتن سرمایه‌گذاری دولت و افراد به لحاظ مادی و از دست دادن زمان می‌شود. در حال حاضر تغییر و بازبینی که همراه با تعدیل و اصلاح اساسی در برنامه درسی باشد به ندرت انجام می‌شود و در بیشتر موارد تنها تغییرات کوچکی اعمال می‌گردد (برادران، بهتاش، غنیان، ۱۳۸۵). تجربه سال‌های گذشته نظام آموزش عالی کشور نشان داده است که برای بالندگی علمی و پژوهشی لازم است اختیارات برنامه‌ریزی به دانشگاه‌هایی که دارای توانمندی لازم هستند، تفویض گردد. امروزه چالش‌های بسیار جدی در برنامه درسی در دانشگاه ایجاد شده است. یکی از این چالش‌ها مشارکت مؤثر اعضای هیات علمی در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی

است (فتحی واجارگاه و نوروززاده، ۱۳۸۷). بر همین اساس بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی به وضعیت موجود و مطلوب فرایند برنامه‌ریزی درسی امری ضروری به نظر می‌آید.

در نگاه کلی با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد که عدم انطباق برنامه‌های درسی با نیازهای روز جامعه (خسروی پور و همکاران، ۱۳۸۶) از عمده‌ترین عوامل بروز معضلات برشمرده می‌باشد و اعضای هیأت علمی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان این نظام آموزشی بیش از سایرین صلاحیت و امکان اظهار نظر و ایجاد تغییرات لازم در برنامه درسی رشته‌های کشاورزی را دارند (لادویگ^۱، ۲۰۱۰)، جامعه مذکور به عنوان پاسخگویانی درگیر و متخصص در نظر گرفته شدند تا علاوه بر حساس‌سازی هر چه بیشتر آنان نسبت به ضرورت مسئله، اهمیت و ضرورت مشارکت هر چه بیشتر آنان در برنامه‌ریزی درسی مطرح شود.

روند اصلاحات برنامه‌های درسی بر حسب دیدگاه‌های مختلف درباره اهداف برنامه‌ها، اولویت‌ها و فرایندها امری پیچیده و دشوار به نظر می‌رسد (گیلبرت^۲، ۲۰۱۰). برنامه‌های درسی همیشه در حال تحول هستند و مدیریت این تغییر همیشه باید به گونه‌ای باشد که تحول برنامه‌های درسی مجاز تلقی شود. باید در نظر داشت که توسعه برنامه درسی همیشه باید تقاضا محور باشد و نه آنکه از خارج تحمیل شده باشد و این توسعه و تغییر همیشه باید در ارتباط با محیط و شرایط فراگیران باشد (بوچرز^۳، ۲۰۰۶). این مسئله در رشته کشاورزی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در مقایسه با سایر رشته‌ها در ارتباط بیشتری با محیط طبیعی در حال تغییر، ریسک‌پذیر و جوامع روستایی در حال تحول می‌باشد. برنامه‌ریزان برنامه‌های درسی کشاورزی باید نیازهای آموزشی دانشجویان را مورد توجه قرار دهند و دانشکده‌های کشاورزی باید همواره با جوامع خود ارتباط برقرار نمایند؛ این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که اعضای هیأت علمی رشته کشاورزی برای تسهیل تغییرات برنامه‌های درسی و به منظور ارتقاء کامل برنامه‌ها در پاسخ به تغییرات اجتماعی و زیست محیطی، تلاش کنند (بوساری^۴ و ویدرین^۵، ۲۰۱۰).

1. Ladwig
2. Gilbert
3. Buscher
4. Borsari
5. Vidrine

پیش از ارائه هرگونه تعریف در ارتباط با برنامه‌ریزی درسی و برنامه‌ریزی آموزشی باید یادآوری کرد که بر اساس گفته بوشامپ^۱ ۱۹۶۵ برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در پرتو برنامه درسی توضیح داده می‌شوند (پزner^۲، ۱۹۷۴). برنامه‌ریزی درسی در بر گیرنده هشت عنصر شامل: هدف، محتوا، توالی، یادگیرندگان، فرایندهای یادگیری، منابع آموزشی، ارزشیابی و اصلاح و تعدیل و هدف آن رشد و پرورش دانشجویان است (فتحی و اجارگاه، عارفی، شرف، ۱۳۸۸). اصول برنامه‌ریزی درسی برای یک دوره آموزشی عبارتند از: ۱- انتخاب محتوا ۲- توسعه راهبرد آموزشی ۳- تصمیم‌گیری در مورد ترتیب و توالی مطالب ۴- تشخیص نقاط قوت و ضعف فردی دانشجویان و ملاحظه موارد فردی (اسمیت^۳، ۲۰۰۰) و بر اساس این اصول، برنامه‌ریزی درسی در پنج مرحله شناخت و درک متن، برنامه‌ریزی و تأمین مالی، اجرا، نظارت مداوم، ارزیابی و بازبینی ترسیم می‌شود (DEECD^۴، ۲۰۱۱). محصول برنامه‌ریزی درسی، برنامه درسی است و منابع متعدد نشان می‌دهند که چهار جزء ضروری هر برنامه درسی عبارتند از: اهداف، محتوا، برنامه‌ای از فعالیت‌ها و روش ارزیابی (دانستان^۵، ۱۹۸۷).

اسکام‌هارت^۶ و دن بور^۷ (۱۹۹۴) در پژوهش خود به مطالعه‌ای موردی نحوه بازسازی برنامه درسی در دانشکده کشاورزی پنین اشاره کرده‌اند. در این دانشکده تلاش در جهت اصلاح فرایند برنامه‌ریزی درسی با برگزاری همایشی در چارچوب یک پروژه مشترک دانشگاهی بین‌المللی مطرح شده است. این همایش به عنوان ترکیبی از مدل‌های منطقی و تعاملی برنامه‌ریزی درسی توصیف گردیده است. تجزیه و تحلیل راهبردی از گروه‌های شرکت کننده در سمینار بینش روشن‌تری را در خصوص فرایند برنامه‌ریزی درسی ارائه می‌کند و ساختار متفاوتی از نحوه برنامه‌ریزی درسی را در مقایسه با مدل‌های برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده، پیشنهاد می‌دهد (اسکام‌هارت و دن بور، ۱۹۹۴).

-
1. Beauchamp
 2. Posner
 3. Smith
 4. Department of education and early childhood development
 5. Dunstan
 6. Schamhart
 7. Den Bor

یافته‌های هادگز^۱ و بورچل^۲ (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان بررسی مهارت‌های دانش‌آموختگان کشاورزی نشان داد که بین وضعیت مطلوب مهارت‌های دانش‌آموختگان کشاورزی و وضعیت موجود، هم از نظر مدیران و هم از نظر دانش‌آموختگان اختلاف معنی‌داری وجود دارد. این یافته نشان می‌دهد آنچه دانش‌آموختگان کشاورزی در زمینه شایستگی‌های عمومی مورد نیاز بازار کار در دوران تحصیل فراگرفته‌اند، با آنچه مورد نیاز واقعی دنیای کار است، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. بنابراین تجدید نظر در برنامه درسی رشته‌های کشاورزی به منظور پرورش مهارت‌های آمادگی شغلی مورد نیاز، امری اجتناب‌ناپذیر است (هادگز و بورچل، ۲۰۰۳).

جایاراج^۳ (۱۹۹۲) در پژوهشی با عنوان "آموزش کشاورزی: نیاز به متخصصان" ضمن تشریح وضعیت آموزش کشاورزی در هند، الگوی برنامه‌ریزی درسی بر اساس نیازهای آتی را مورد بحث قرار می‌دهد و با تأکید بر نوسازی و اصلاح برنامه درسی، دستور کاری برای یک برنامه آموزشی جدید پیشنهاد نموده است (جایاراج، ۱۹۹۲).

لادویگ (۲۰۱۰) نیز در تحقیقی با عنوان تغییر برنامه درسی و اعضای هیأت علمی، تغییر برنامه درسی را به مشارکت اعضای هیأت علمی پیوند می‌زند و به پیامدهای ناخواسته اصلاحات برنامه‌های درسی توجه می‌کند (لادویگ، ۲۰۱۰).

مزولی^۴ (۲۰۰۰) در تحقیقی با عنوان درک اعضای هیأت علمی از تأثیر گروه‌های مختلف بر برنامه درسی در آموزش عالی، بیان می‌کند که درک اعضای هیأت علمی از میزان نفوذ بسیاری از گروه‌های خارجی در برنامه‌ریزی درسی مشروط به نوع سازمان، انضباط آکادمیک و نظم مرتبط با رشته، مرتبه علمی و میزان تصدی آنها بوده و به طور کلی مستقل از جنسیت و نژاد اعضای هیأت علمی است. طبق یافته‌های وی هیچ تفاوت معنی‌داری بر اساس سن افراد و سنوات حضور آنان در آموزش عالی در میزان درک اعضای هیأت علمی از تأثیر گروه‌های مختلف بر برنامه‌ریزی درسی وجود ندارد (مزولی، ۲۰۰۰).

ساکي، شریف خلیفه سلطانی و نصر اصفهانی (۱۳۸۶) طی پژوهشی با عنوان بررسی ساختار مناسب برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه اصفهان، دریافتند که در باره

1. Hodges
2. Burchell
3. Jayaraj
4. Mozzoli

ترکیب مناسب شورای برنامه‌ریزی درسی گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها، عضویت متخصصان برنامه‌ریزی آموزشی، اعضای هیأت علمی، متخصصان موضوع درسی و برنامه‌ریزی درسی در ترکیب پیشنهادی شورای برنامه‌ریزی درسی گروه ضروری و حائز اهمیت است و با توجه به نظر مثبت اعضای هیأت علمی در این زمینه پیشنهاد می‌دهند کمیته‌ای علمی- تخصصی، مرکب از صاحب نظران برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، سیاست‌گذاری و ارائه خدمات مشورتی در سطح دانشگاه را بر عهده گیرند (ساک، شریف خلیفه سلطانی و نصر اصفهانی، ۱۳۸۶).

در جمع‌بندی کلی با توجه به منابع مورد اشاره، به نظر می‌رسد با وجود ضرورت توجه مستمر در به روزرسانی برنامه‌های درسی مشارکت ذی‌نفعان و افراد درگیر در فرآیند آموزشی در ایجاد تغییرات لازم و علمی‌تر شدن فرایند برنامه‌ریزی درسی، هم اکنون ذی‌نفعان و متخصصان مربوطه مشارکت لازم را در فرایند برنامه‌ریزی درسی ندارند. علاوه بر این ساز و کار منسجمی برای به روز رسانی برنامه‌های درسی به ویژه در سطح دانشگاه‌ها دیده نمی‌شود. هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی دیدگاه اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی استان خوزستان در باره رتبه‌بندی مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی درسی می‌باشد. اهداف اختصاصی شامل شناسایی دیدگاه پاسخگویان در باره "راهکارهای بهبود کیفیت فرایند برنامه‌ریزی درسی"، "شناسایی دیدگاه پاسخگویان در خصوص ضعف‌ها و کمبودهای نظام برنامه‌ریزی درسی" و "میزان صلاحیت هر یک از گروه‌های ذی‌نفع برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی" است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پیمایشی- توصیفی است. در این مطالعه از روش مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابتدا به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به موضوع پژوهش و تدوین پرسشنامه، با مراجعه به کتابخانه و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی پیشینه موضوع بررسی شد. سپس به منظور آگاهی از نظرات اعضای هیأت علمی درباره گویه‌های طراحی شده مطالعه میدانی صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل تمام اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی استان خوزستان می‌باشد (N=158). حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۱۱۲ نفر تعیین گردید.

شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم طبقه بوده و در هر طبقه نمونه‌ها به صورت تصادفی انتخاب گردیده‌اند. وسیله گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخت می‌باشد. این پرسشنامه از چهار بخش تشکیل شده است که بخش نخست- ویژگی‌های فردی (۱۵ گویه)، بخش دوم- شایستگی گروه‌های ذی‌نفع برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی (۸ گویه)، بخش سوم- چالش‌های نظام برنامه‌ریزی درسی مطلوب (۲۸ گویه) و بخش چهارم- کیفیت برنامه‌ریزی درسی (۱۸ گویه) را مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌های طراحی شده با استفاده از مبانی نظری، نتایج پژوهش‌های میدانی و تجربیات اعضای هیأت علمی و تیم تحقیقاتی تدوین گردیده‌اند. روایی محتوایی و ظاهری پرسشنامه با استفاده از نظرات برخی اعضای هیأت علمی در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین تأیید گردید برای سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای بخش‌های "شایستگی مشارکت برنامه‌ریزان و مخاطبان در فرایند برنامه‌ریزی درسی"، "کیفیت برنامه‌ریزی درسی" و "چالش‌های نظام برنامه‌ریزی درسی مطلوب" به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۸ و ۰/۷۱. محاسبه گردید. به منظور توصیف داده‌ها برای معرفی جامعه، از نمودارهای درصد فراوانی و برای رتبه‌بندی گویه‌ها بر اساس نظرات پاسخگویان، شاخص ضریب تغییرات مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱) توزیع فراوانی بر اساس مقطع تحصیلی پاسخگویان بر حسب درصد

مرتبۀ علمی	فراوانی	درصد فراوانی
دکتری	۷۱	۶۲/۸
کارشناسی ارشد	۴۲	۳۷/۲

جدول (۲) توزیع فراوانی بر اساس مرتبۀ علمی پاسخگویان بر حسب درصد

مرتبۀ علمی	فراوانی	درصد فراوانی
استاد	۲	۱/۸
دانشیار	۱۵	۱۳/۳
استادیار	۵۲	۴۶
مربی	۴۴	۳۸/۹

جدول (۳) توزیع فراوانی بر اساس سنوات تدریس پاسخگویان برحسب درصد

سال های تدریس	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۵ سال	۵۱	۴۵/۱
۶-۱۵ سال	۲۸	۲۴/۸
۱۶-۲۵ سال	۱۵	۱۳/۳
بالاتر از ۲۶ سال	۱۹	۱۶/۸

در این مطالعه به بررسی وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی درسی رشته کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه اعضای هیأت علمی پرداخته شده است. در معرفی نمونه مورد مطالعه همان‌طور که جدول‌های ۱، ۲ و ۳ نشان می‌دهند، (۳۷/۲) درصد پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی ارشد و (۶۲/۸) درصد آنها دارای مدرک دکتری می‌باشند. همچنین توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مرتبه علمی آنها از این قرار بوده است: (۱/۸) درصد استاد تمام، (۱۳/۳) درصد دانشیار، (۴۶) درصد استادیار و (۳۸/۹) درصد مربی. پراکندگی حجم نمونه بر اساس سابقه تدریس و برحسب درصد نیز به ترتیب زیر می‌باشد: کمتر از پنج سال (۴۵/۱) درصد، بین ۶-۱۵ سال سابقه (۲۴/۸) درصد، بین ۱۶-۲۵ سال سابقه (۱۳/۳) درصد و بالاتر از ۲۶ سال سابقه (۱۶/۸) درصد.

جدول (۴) اولویت‌بندی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب عناصر اصلی نظام برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان

وضعیت موجود		نظام برنامه‌ریزی درسی مطلوب		وضعیت مطلوب	
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	میانگین
۱	۰/۷۱۱	۱/۹۸۷	۲/۷۹۴	تناسب برنامه‌ریزی درسی رشته تخصصی خود با شرایط رشته کشاورزی	۲/۷۹۴
۲	۰/۷۸۸	۱/۹۴۹	۲/۴۷۳	آشنایی اعضای هیأت علمی با روند علمی برنامه‌ریزی درسی	۲/۴۷۳
۳	۰/۸۸۱	۱/۷۷۰	۲/۰۰۹	توجه جدی تر به برنامه‌ریزی درسی به عنوان رشته‌ای علمی و تخصصی	۲/۰۰۹
۴	۰/۸۹۷	۱/۶۱۱	۱/۷۹۴	ارزشیابی مستمر برنامه درسی و اصلاح آن توسط برنامه‌ریزان درسی	۱/۷۹۴

وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		رتبه
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	
۷	۰/۲۸۶	۲/۲۱۲	۷/۷۲۵	۵
			تشکیل کمیته هایی در سطح دانشگاه برای برنامه ریزی درسی	
۲	۰/۱۸۸	۱/۵۹۸	۸/۴۸۶	۶
			برقراری ارتباط با سایر دانشگاه های خارج از کشور و مطالعه نظام برنامه ریزی درسی آنها	
۱	۰/۱۳۸	۱/۲۲۱	۸/۸۱۴	۷
			تشکیل گروه های مشترک برنامه ریزی درسی (متشکل از سازمان های به کار گیرنده دانش آموختگان با اعضای هیأت علمی) برای انطباق برنامه درسی با نیازهای روز بازار کار	
۵	۰/۲۴۰	۱/۸۸۰	۷/۸۲۱	۸
			دریافت اطلاعات صحیح از یک مرکز اطلاعات برای ایجاد یک برنامه درسی متناسب با نیازهای جامعه	
۶	۰/۲۷۸	۲/۱۶۷	۷/۷۶۹	---
			ضرورت ایجاد یک مرکز برنامه ریزی درسی مخصوص رشته کشاورزی برای بالا بردن کیفیت برنامه ریزی درسی رشته کشاورزی	

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می گردد، گویه های "تناسب برنامه ریزی درسی رشته تخصصی با شرایط رشته کشاورزی" و "آشنایی اعضای هیأت علمی با روند علمی برنامه ریزی درسی"، اولویت های اول و دوم را به خود اختصاص داده اند. این بدان معنی است که اعضای هیأت علمی این دو گویه را به عنوان مهم ترین نکات برای داشتن یک نظام برنامه ریزی درسی مطلوب در وضعیت موجود شناسایی کرده اند. در بررسی داده ها به منظور ترسیم وضع مطلوب، "تشکیل گروه های مشترک برنامه ریزی درسی (متشکل از سازمان های به کار گیرنده دانش آموختگان با اعضای هیأت علمی) برای انطباق برنامه درسی با نیازهای روز بازار کار" اولین اولویت را به خود اختصاص داده است. این نشان می دهد که پاسخگویان، گویه مذکور را مهم ترین نکته برای داشتن یک نظام برنامه ریزی درسی مطلوب می دانند. اولویت دوم نیز به برقراری ارتباط با سایر دانشگاه های خارج از کشور و مطالعه نظام برنامه ریزی درسی آنها تعلق دارد.

راهکارهای بهبود کیفیت فرآیند برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان

جدول (۵) راهکارهای بهبود کیفیت فرآیند برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان

وضعیت مطلوب				راهکارهای بهبود کیفیت فرآیند برنامه‌ریزی درسی		وضعیت موجود			
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه	
۱	۰/۱۲۸	۱/۱۴۷	۸/۹۲۹	برگزاری مؤثرتر و جدی‌تر دوره‌ی کارورزی در گرایش‌های مختلف این رشته	۲/۴۱۵	۱/۷۳۵	۰/۷۱۸	۱	
۱۳	۰/۶۴۹	۳/۷۱۱	۵/۷۱۶	ایجاد زمینه شکوفایی استعدادها، ایجاد خلاقیت و ابتکار و فراگیری مداوم از راه نظام برنامه‌ریزی درسی در رشته تخصصی	۲/۶۱۰	۲/۰۰۶	۰/۷۶۸	۲	
۳	۰/۲۲۹	۱/۸۸۸	۸/۲۲۱	توجه به انتقال اطلاعات، بینش‌ها، و مهارت‌های تخصصی رشته در برنامه‌ریزی درسی	۲/۵۸۴	۲/۰۱۶	۰/۷۸۰	۳	
۴	۰/۳۴۳	۲/۵۸۱	۷/۵۰۴	تدوین سازوکارهایی برای تضمین اشتغال دانش‌آموختگان (از قبیل اعطای وام، ایجاد زمینه برای خود اشتغالی و موارد مشابه)	۲/۰۴۴	۱/۸۶۱	۰/۹۱۰	۴	
۶	۰/۳۴۹	۲/۶۳۵	۷/۵۳۹	توجه به پرورش افراد نخبه در رشته کشاورزی	۱/۴۲۴	۱/۴۵۶	۱/۰۲۲	۵	
۸	۰/۴۲۴	۲/۸۲۹	۶/۶۶۹	توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان	۱/۴۹۱	۱/۵۲۴	۱/۰۲۲	۶	
۲	۰/۲۰۸	۱/۷۰۵	۸/۱۹۴	توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی مؤثر در سایر فعالیت‌های شغلی در آینده (مانند مسئولیت‌پذیری، خلاقیت و کارهای تیمی) در برنامه‌ریزی درسی، علاوه بر مفاهیم تخصصی رشته	۱/۳۷۱	۱/۴۴۰	۱/۰۵۰	۷	
۷	۰/۳۷۸	۲/۵۵۸	۶/۷۵۸	حضور انجمن علمی خاص رشته تخصصی خود، در برنامه‌ریزی درسی	۱/۳۳۹	۱/۶۲۴	۱/۲۱۲	۸	
۹	۰/۴۴۶	۲/۷۴۰	۶/۱۳۲	قائل بودن امتیاز ویژه برای داوطلبانی که کشاورز زاده هستند و یا در روستاها زندگی می‌کنند برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	۰/۴۴۲	۰/۸۷۵	۱/۹۷۹	۹	
۵	۰/۳۴۳	۲/۵۸۱	۷/۵۰۴	ارائه پر بارتر و بیشتر واحدهای عملی	----	----	----	--	

یافته‌های جدول (۵) در باره " نکات لازم برای بهبود کیفیت فرآیند برنامه‌ریزی درسی " حاکی از آن است که در بین گویه‌های مندرج در این جدول، در وضعیت

موجود "برگزاری مؤثرتر و جدی تر دوره کارورزی در گرایش‌های مختلف این رشته" در اولویت اول قرار دارد و اولویت‌های دوم و سوم به موارد "ایجاد زمینه شکوفایی استعدادها، ایجاد خلاقیت و ابتکار و فراگیری مداوم از راه نظام برنامه‌ریزی درسی در رشته تخصصی" و "توجه به انتقال اطلاعات، بینش‌ها، و مهارت‌های تخصصی رشته در برنامه‌ریزی درسی" تعلق دارد. این نتیجه مبین آن است که در وضع موجود تمام تلاش‌ها برای بهبود فرآیند برنامه‌ریزی درسی بر این دو نکته متمرکز است. همچنین از دیدگاه پاسخگویان در باره وضع مطلوب، اولویت اول مانند نتیجه به دست آمده در وضع موجود بوده است. این در حالی است که موارد "توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی مؤثر (مانند مسئولیت‌پذیری، خلاقیت و کارهای تیمی) در سایر فعالیت‌های شغلی در آینده در برنامه‌ریزی درسی، علاوه بر مفاهیم تخصصی رشته" و "توجه به انتقال اطلاعات، بینش‌ها، و مهارت‌های تخصصی رشته در برنامه‌ریزی درسی"، به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. به این معنی که اعضای هیأت علمی بر این باور هستند که علاوه بر توجه به انتقال اطلاعات، بینش‌ها، و مهارت‌های تخصصی، توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی بسیار مهم و اساسی است و برای بهبود کیفیت فرآیند برنامه‌ریزی درسی و ایجاد وضعیت مطلوب باید آنها را مورد توجه قرار داد.

ضعف‌ها و کمبودهای نظام برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان

جدول (۶) ضعف‌ها و کمبودهای نظام برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان

بررسی وضعیت موجود			ضعف‌ها و کمبودهای نظام برنامه‌ریزی درسی	
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۱۰۳	۰/۹۰۰	۸/۷۳۲	نبود انسجام لازم بین نظام برنامه‌ریزی درسی رشته کشاورزی و سایر رشته‌های مرتبط با آن در سطوح مختلف
۲	۰/۱۰۷	۰/۵۹۵	۸/۹۱۱	حضور نداشتن همه افراد ذی‌نفع در نظام برنامه‌ریزی درسی
۳	۰/۱۱۳	۱/۰۰۶	۸/۸۴۸	عدم وجود قوانین مورد نیاز برای اصلاح مستمر برنامه‌های موجود
۴	۰/۱۴۸	۱/۲۸۰	۸/۶۱۲	انعطاف‌ناپذیری برنامه‌ریزی درسی

همان طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود "نبود انسجام لازم بین نظام برنامه‌ریزی درسی رشته کشاورزی و سایر رشته‌های مرتبط با آن در سطوح مختلف"

"حضور نداشتن همه افراد ذی نفع در نظام برنامه‌ریزی درسی" به ترتیب مهم‌ترین کمبودها و نقاط ضعف نظام آموزش عالی کشاورزی می‌باشد و در رتبه‌بندی گویه‌های جدول از دیدگاه اعضای هیأت علمی، اولویت‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند.

دیدگاه پاسخگویان در خصوص میزان صلاحیت هریک از گروه‌های ذینفع برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی با توجه به تجربه مشارکت افراد در اصلاح برنامه‌های درسی

جدول (۷) دیدگاه پاسخگویان در خصوص میزان صلاحیت هریک از گروه‌های ذینفع برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی با توجه به تجربه مشارکت افراد در اصلاح برنامه‌های درسی

افراد که سابقه مشارکت دارند				میزان صلاحیت مشارکت در برنامه‌ریزی درسی	افراد که سابقه مشارکت ندارند			
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۲	۰/۶۲	۲/۹۸	۴/۷۷	مدیران ارشد آموزش عالی	۵/۶۰	۳/۲۲	۰/۵۷	۱
۱	۰/۵۳	۲/۰۸	۳/۹۱	اعضای هیأت علمی	۳/۴۳	۲/۱۹	۰/۶۳	۲
۶	۱/۶۴	۱/۳۰	۰/۷۹	دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی مقطع قبل	۰/۷۲	۱/۱۳	۱/۵۶	۳
۷	۱/۷۲	۱/۱۷	۰/۶۸	کارفرمایان	۰/۶۰	۱/۰۸	۱/۸	۴
۳	۱/۳۷	۱/۲۰	۰/۸۷	دانشجویان همه مقاطع درسی	۰/۵۶	۱/۰۴	۱/۸۵	۵
۸	۲/۲۹	۰/۸۵	۰/۳۷	مولدان بخش کشاورزی	۰/۴۹	۰/۹۴	۱/۹۱	۶
۴	۱/۳۹	۱/۲۱	۰/۸۷	دانشجویان برتر هر گروه	۰/۶۱	۱/۲۰	۱/۹۶	۷
۵	۱/۶۱	۱/۰۸	۰/۶۷	دانش آموزان مقاطع مختلف که سه سال از دانش‌آموزی آنان گذشته باشد	۰/۷۴	۱/۵۳	۲/۰۶	۸

همان طور که جدول (۷) نشان می‌دهد، پاسخگویانی که تجربه مشارکت در اصلاح برنامه‌های درسی را داشته‌اند، الویت اول تا سوم را به ترتیب به گویه‌های "مدیران ارشد آموزش عالی"، "اعضای هیأت علمی" و "دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی مقطع قبل" اختصاص داده‌اند و شایستگی آنها را برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی در مقایسه با سایر گروه‌ها بیشتر دانسته‌اند، این در حالی است که پاسخگویانی که تجربه مشارکت در این زمینه را نداشته‌اند رتبه اول را به "اعضای هیأت علمی" و رتبه‌های دوم و سوم را به گویه‌های "مدیران ارشد آموزش عالی" و "دانشجویان همه مقاطع درسی" اختصاص داده‌اند و آنها را شایسته‌تر دانسته‌اند.

راهکارهای ارتقاء کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی از دیدگاه پاسخگویان

جدول (۸) راهکارهای ارتقاء کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی از دیدگاه

پاسخگویان

وضعیت مطلوب		ارتقاء کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی		وضعیت موجود				
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۲	۰/۱۶۸	۱/۴۷۹	۸/۷۵۲	تدوین برنامه درسی حوزه تخصصی مبتنی بر اصول و روش‌های علمی توسط صاحب نظران و متخصصین دارای صلاحیت	۳/۴۹۵	۲/۱۴۲	۰/۶۱۲	۱
۱	۰/۱۲۸	۱/۱۶۳	۹/۰۵۳	تناسب محتوای برنامه درسی رشته تخصصی با پیشرفت‌ها و شرایط روز	۳/۱۰۶	۱/۹۷۹	۰/۶۳۷	۲
۹	۰/۳۸۸	۲/۷۱۷	۶/۹۹۱	عدم هم پوشانی محتوای برنامه درسی در مقاطع مختلف	۲/۸۱۴	۲/۰۴۶	۰/۷۲۷	۳
۴	۰/۲۵۶	۲/۰۳۶	۷/۹۳۸	هماهنگی برنامه درسی تهیه شده در کشور با برنامه‌های درسی سایر کشورها	۲/۹۲۰	۲/۲۱۲	۰/۷۵۷	۴
۶	۰/۳۲۶	۲/۳۸۷	۷/۳۰۹	توجه به مشکلات کشاورزی در سطح کلان کشور در برنامه درسی	۲/۱۷۷	۱/۷۱۲	۰/۷۸۶	۵
۳	۰/۲۳۶	۱/۹۱۶	۸/۱۱۵	قابلیت رقابت و انطباق برنامه‌های درسی حوزه تخصصی در سطح جهانی	۰/۰۷۰	۱/۹۰۲	۰/۹۱۸	۶
۸	۰/۳۶۹	۲/۶۲۰	۷/۰۸۸	تدوین برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای هر منطقه	۱/۴۵۹	۱/۳۸۹	۰/۹۲۹	۷
۵	۰/۳۱۴	۲/۴۴۵	۷/۷۶۹	تشکیل کمیته ارزیابی برنامه درسی که در مدت زمان معین برای مثال هر چهار سال یکبار برنامه درسی را مورد باز بینی و باز نگری قرار دهد.	۱/۸۵۰	۱/۵۹۷	۱/۰۱۰	۸

وضعیت مطلوب				ارتقاء کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی	وضعیت موجود			
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۷	۰/۳۴۵	۲/۶۲۴	۷/۵۸۴	تشکیل کمیته برنامه‌ریزی متشکل از (اعضای هیأت علمی، نمایندگان تحقیقات و رؤسای مراکز خدمات به عنوان کارفرمایان) برای بررسی مشکلات برنامه درسی موجود در طول اجرای برنامه	۰/۷۷۸	۱/۱۰۷	۱/۴۲۲	۹
۱۰	۰/۴۰۶	۲/۸۳۱	۶/۹۶۴	ایجاد مرکز برنامه‌ریزی درسی مخصوص رشته کشاورزی در سطح ملی	۰/۵۵۲	۰/۸۷۸	۱/۵۹۰	۱۰

در پاسخ به چگونگی "ارتقاء کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی" به بررسی موارد مؤثر بر آن پرداخته شد. نتایج مندرج در جدول شماره هشت نشان می‌دهد که در وضعیت موجود، از دیدگاه پاسخگویان راه‌کارهای "تدوین برنامه درسی حوزه تخصصی مبتنی بر اصول و روش‌های علمی توسط افراد دارای صلاحیت"، "تناسب محتوای برنامه درسی با پیشرفت‌ها و شرایط روز" و "انطباق و عدم هم پوشانی محتوای برنامه درسی در مقاطع مختلف" به ترتیب سه رتبه اول را به خود اختصاص داده‌اند. در بررسی دیدگاه‌های افراد برای داشتن وضعیت مطلوب نیز همان راهکارهای اول و دوم به عنوان دو اولویت اول شناخته شده‌اند. درحالی که "قابلیت رقابت و انطباق برنامه‌های درسی حوزه تخصصی در سطح جهانی" در جایگاه سوم قرار گرفته است. این نتیجه بیانگر این است که در وضعیت موجود به طور نسبی برنامه‌های درسی در زمینه تخصصی توسط افراد صاحب نظر و با صلاحیت و مبتنی بر اصول و روش‌های علمی تدوین گردیده است و برای ایجاد وضعیت مطلوب در گرایش‌های تخصصی مختلف باید به این نکته بیشتر توجه شود. همچنین لازم است برای بالا بردن کیفیت لازم است برنامه‌های درسی را با پیشرفت‌ها و شرایط روز و با برنامه‌های درسی سایر کشورها هماهنگ ساخت.

نتیجه‌گیری و بحث

در این مطالعه دیدگاه اعضای هیأت علمی رشته کشاورزی و منابع طبیعی در خصوص برخی مؤلفه‌های فرایند برنامه‌ریزی درسی در وضعیت موجود و مطلوب مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد.

از دیدگاه پاسخگویان، در وضعیت موجود "تناسب برنامه‌ریزی درسی رشته تخصصی با شرایط رشته کشاورزی" رتبه اول را به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه گویه‌های "تشکیل گروه‌های مشترک برنامه‌ریزی درسی (متشکل از سازمان‌های به کار گیرنده دانش‌آموختگان با اعضای هیأت علمی) برای انطباق برنامه درسی با نیازهای روز بازار کار" و "دریافت اطلاعات صحیح از یک مرکز اطلاعات برای ایجاد برنامه درسی متناسب با نیازهای جامعه" توسط پاسخگویان در وضعیت کنونی بسیار نامطلوب ارزیابی شده‌اند. ضروری است پایگاه اطلاعاتی با اعتبار علمی و به روز به عنوان مبنایی برای مراجعه برنامه‌ریزان درسی پایه‌گذاری شود. همچنین مشارکت سازمان‌های به کارگیرنده دانش‌آموختگان و اعضای هیأت علمی در روند برنامه‌ریزی درسی به گونه‌ای منسجم و نه مقطعی سازمان‌دهی شود. همچنین از نظر پاسخگویان برای رسیدن به وضعیت مطلوب "تشکیل گروه‌های مشترک برنامه‌ریزی درسی برای انطباق برنامه‌های درسی با نیازهای روز بازار کار" به عنوان مهم‌ترین مسئله در اولویت می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج هادگز و بورچل، (۲۰۰۳) و ساکی و همکاران (۱۳۸۶) تا حدودی مطابقت دارد. در باره رتبه‌بندی نکات لازم برای بهبود کیفیت فرآیند برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان، اولویت اول، هم در وضعیت موجود و هم در وضعیت مطلوب، به "برگزاری مؤثرتر و جدی‌تر دوره کارورزی در گرایش‌های مختلف رشته کشاورزی" اختصاص داده شده است. در بررسی نتایج حاصل از اولویت‌بندی ضعف‌ها و کمبودهای نظام برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان مهم‌ترین ضعف و کمبود، "نبود انسجام لازم بین نظام برنامه‌ریزی درسی رشته کشاورزی و سایر رشته‌های مرتبط با آن در سطوح مختلف"، شناخته شده است. در این باره با توجه به گسترش روز افزون حیطه‌های مختلف رشته کشاورزی از قبیل فناوری زیستی، بوم‌شناسی کشاورزی، امنیت غذایی در کشاورزی و حیطه‌هایی نظیر آن و با عنایت به لزوم ایجاد ارتباط بین رشته‌های کشاورزی و علوم مرتبط با آن در برنامه‌ریزی درسی، توجه خاص به نوسازی و اصلاح برنامه‌های درسی امری ضروری است و در غیر این صورت رشته کشاورزی جوابگوی نیازهای بازار کار نخواهد بود. این نتیجه با یافته اسکامهارت و دن بور (۱۹۹۴) و جایارج ۱۹۹۲ تا حدودی همخوانی دارد. در رتبه‌بندی میزان صلاحیت افراد برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی، تمامی پاسخگویان، هم پاسخگوییانی که تجربه مشارکت در اصلاح برنامه‌های درسی را داشته‌اند، و هم آنهایی که در این زمینه بی‌تجربه بودند به اتفاق اولویت اول

و دوم را به "مدیران ارشد آموزش عالی" و "اعضای هیأت علمی" اختصاص داده و صلاحیت آنها را برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی در مقایسه با سایر گویه‌ها بیشتر دانسته‌اند که این نتیجه با یافته لادویگ (۲۰۱۰) و ساکی و همکاران (۱۳۸۶) مطابقت دارد. اعضای هیأت علمی همچنین "تدوین برنامه درسی حوزه تخصصی مبتنی بر اصول و روش‌های علمی و توسط صاحب نظران و متخصصان با صلاحیت" و "تناسب محتوای برنامه درسی رشته تخصصی با پیشرفت‌ها و شرایط روز" را به عنوان دو راهکار با اهمیت معرفی نمودند که باید برای رسیدن به شرایط مطلوب بیشتر مورد توجه قرار گیرند. در جمع‌بندی می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت که هم اکنون برنامه‌ریزی درسی در رشته کشاورزی با معضلات و تنگناهایی اساسی روبه‌روست. به روز نبودن برنامه‌ها، عدم مشارکت عمیق و منسجم ذینفعان (دانش‌آموختگان، کارفرمایان، اعضای هیأت علمی و کشاورزان) در فرایند برنامه‌ریزی درسی، عدم ارتباط بین برنامه درسی تدوین شده با تحولات فزاینده و سریع رشته‌های مرتبط با کشاورزی، ضرورت توجه به برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی کشاورزی را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه بخش کشاورزی، اجتناب ناپذیر می‌نماید. از این رو انتظار می‌رود این پژوهش و پژوهش‌های مشابه بتوانند راهگشای حرکت به سوی نظام آموزش عالی کشاورزی با کیفیت‌تر و کاربردی‌تر گردند. نظامی که بدون تردید ایجاد هر گونه بهبود در آن، بهبود همه بخش‌های کشاورزی را به دنبال خواهد داشت.

بر اساس نتایج بالا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- تشکیل کمیته‌های مشترک برنامه‌ریزی درسی متشکل از اعضای هیأت علمی، مدیران ارشد آموزش عالی، نمایندگان از مراکز تحقیقات کشاورزی، کارفرمایان و مراکز خدمات کشاورزی برای انطباق برنامه‌های درسی با نیازهای روز بازار کار.
- ۲- ایجاد کمیته‌های مشترک (متشکل از کارفرمایان، نمایندگان آموزش عالی در گرایش‌های تخصصی و نمایندگان دانش‌آموختگان در مقاطع مختلف) برای بازبینی و بازنگری برنامه‌های درسی و نظارت بر روند برنامه‌ریزی درسی.
- ۳- برقراری ارتباط با دانشگاه‌های خارج از کشور، به منظور مطالعه نظام برنامه‌ریزی درسی آنان و کسب راهکارهایی متناسب با شرایط کشور، برای بهبود نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی کشاورزی.

- ۴- استفاده از دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی برای مقاطع تحصیلی پایین‌تر و همچنین دانش‌آموختگانی که حداقل سه سال از دانش‌آموختگی آنان گذشته باشد. با این فرض که این افراد در این مدت وارد بازار کار شده باشند و از برخی ناهماهنگی‌ها بین برنامه‌ریزی درسی و شرایط واقعی کار، آگاهی داشته باشند.
- ۵- برگزاری مؤثرتر و جدی‌تر دوره کارورزی در گرایش‌های مختلف رشته کشاورزی به منظور ایجاد زمینه برای شکوفایی استعدادها، ایجاد خلاقیت و ابتکار و فراگیری مداوم.
- ۶- توجه به رشد ویژگی‌های روانشناختی مؤثر در فعالیت‌های شغلی (مانند مسئولیت‌پذیری، همکاری، رقابت سالم و کارهای تیمی) در برنامه‌ریزی درسی.
- ۷- برگزاری دوره و کارگاه‌های آموزشی برای آشنایی اعضای هیأت علمی و سایر گروه‌های ذی‌نفع با مهارت‌ها و سبک‌های نوین برنامه‌ریزی درسی در جهت ارتقای کیفیت فرایند برنامه‌ریزی درسی و ایجاد انگیزه مشارکت با مشوق‌ها و انگیزاننده‌هایی مانند اعطای امتیاز پژوهشی به اعضای هیأت علمی.
- ۸- ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی و آماری برای دریافت اطلاعات صحیح در باره وضعیت دانش‌آموختگان و دانشجویان از راه مستندسازی اطلاعات به صورت طبقه‌بندی شده.

منابع

- برادران، مسعود؛ بهتاش، محمد جعفر و غنیان، منصور (۱۳۸۵). *ارزشیابی درونی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز*. تهران: سازمان آموزش کشور.
- خسروی‌پور، بهمن؛ ایروانی، هوشنگ؛ حسینی، محمود و موحد محمدی، حمید (۱۳۸۶). شناسایی مؤلفه‌های آموزشی مؤثر بر توانمندی کار آفرینانه دانشجویان فراگیر آموزش عالی کاربردی کشاورزی. *مجله علوم کشاورزی ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی*. شماره ۲ (۲۰۷-۲۱۸).
- زمانی، غلامحسین (۱۳۸۰). *برآورد نیروی متخصص مورد نیاز و آسیب‌شناسی اشتغال دانش‌آموختگان بخش کشاورزی کشور*. گزارش طرح پژوهشی نیازسنجی نیروی انسانی متخصص. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ساکی، مه‌ری؛ شریف خلیفه سلطانی، مصطفی و نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۸۶). *بررسی ساختار مناسب برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه اصفهان*. قلمرو برنامه درسی ایران، ارزشیابی وضع موجود و ترسیم چشم‌انداز مطلوب. تهران: انتشارات سمت.
- سازمان کشاورزی و منابع طبیعی استان ایلام (۱۳۹۱). *نرخ بیکاری ۲۵ درصدی دانش‌آموختگان کشاورزی*. قابل دسترس در سایت سازمان کشاورزی و منابع طبیعی استان ایلام، <http://iaeo.org/ilam/?p=697>.
- فتحی واجارگاه، کورش و نورزاده، رضا (۱۳۸۷). *درآمدی بر برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی*. تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- فتحی واجارگاه، کورش؛ عارفی، محبوبه و شرف، زینب (۱۳۸۸). *شرایط و زمینه‌های مشارکت اعضای هیأت علمی در فرآیند برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی*. فصلنامه *انجمن آموزش عالی ایران*، سال ۱. شماره ۴ (۱۷۸-۱۴۵).
- Borsari, B. and Vidrine, M. F. (2010). preliminary consideration on the design of a standardized curriculum in sustainable agricultur. *Sustainability in agricultur*, pp: 1-13.
- Büscher, B. (2006). *Participatory Innovation Development and Curriculum Development*, CIS-VUAAmsterdam.
- department of education and early childhood development (2011). *curriculum planning*. State of Victoria.

- Dunstan Atkinson, W. (1988). Curriculum development in tertiary agriculture and horticulture. *Agricultural system*, vol. 26, issue 3, pp: 165- 177.
- Hodges, D., & Burchell, N. (2003). Business graduate competencies: employer's view on importance and performance. *Asia- pacific journal of cooperative education*, 4 (2), PP: 16-22.
- Gilbert. R. (2010). Curriculum reform. *International encyclopedia of education*, Pp: 510-513.
- Jayaraj, S. (1992). Agricultural education: the need for generalists. *Agricultural system*, Vol. 40, issues 1-3, pp: 177-193.
- Ladwig, J. G. (2010). Curriculum and Teacher Change. *International encyclopedia of education*, pp: 374-378.
- Mozzoli, A. J. (2000). Faculty Perceptions of Influences on the Curriculum in Higher Education. ERIC, *Doctoral Dissertation*, University of South Carolina. p. 153.
- Posner, G. J. (1974). Beauchamps Basic components of a curriculum theory – A. Rejoinder. *Curriculum theory network*, Vol. 4, No. 1, pp. 56-60.
- Sabara, N. (1994). Curriculum development centers. *Educational research center*, University of Florida.
- Schamhart, R. and den Bor, W. (1994). Curriculum Development in Higher Agricultural Education: A Case from Bénin. *Higher Education Policy*, vol. 7, pp: 56–62.
- Smith, M. K. (2000). Curriculum theory and practice' the encyclopaedia of informal education. [www. infed. org/biblio/b-curric. htm](http://www.infed.org/biblio/b-curric.htm).